Incidents and Disasters Resilience

Homepage: https://disaster.ndri.ac.ir/

Metaphorical conceptualization of pandemics (epidemics) in scientific and literary works, with a focus on the COVID-19 pandemic

Shahed Zandiehrad[1]✉, **Fatemeh Tabari**[2]

1. Corresponding Author, Ph.D., Department of Linguistics, Faculty of Languages, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: szandiehrad@gmail.com
2. Ph.D., Department of Linguistics, Research Institute for Humanities and Cultural Studies (RIHCS), Tehran, Iran. Email: P.pennyroyal@yahoo.com

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received 19 March 2025
Received in revised form 21 April 2025
Accepted 19 June 2025
Available online 29 June 2025

Keywords:
Conceptual Metaphor,
Conceptual Metonymy,
Pandemic Discourse,
Cognitive Linguistics,
Literary Analysis.

ABSTRACT

Objective: This study examines the ways in which pandemics are conceptualized in literary works and scholarly research writing. It analyzes conceptual metaphors, conceptual metonymies, and instances of synesthesia related to disease, pain, and human emotions in order to show how the human mind renders an abstract and complex phenomenon such as a pandemic intelligible through shared cognitive mechanisms.

Method: The linguistic data were manually extracted from seven texts, including several translated literary works dealing with epidemics and three corpora of articles related to the COVID-19 outbreak. Data analysis was conducted within the framework of cognitive linguistics, drawing on Conceptual Metaphor Theory and Conceptual Metonymy Theory. All identified metaphors and metonymies were categorized and compared based on their most frequent source domains—such as *enemy*, *human*, *living organism*, *contamination*, and *object*. In addition, expressions related to emotions, pain, and synesthetic phenomena were examined across the two corpora.

Results: The results indicate that despite fundamental differences between literary and scientific discourse, both employ similar conceptual patterns to represent and understand disease. The metaphors *disease as enemy* and *disease as human* show the highest frequency; among these, the latter gives rise to the most diverse structures, as it frames disease as an entity endowed with human roles, behaviors, and characteristics. Furthermore, metaphors associated with fear, pain, suffering, despair, and other emotions appear systematically in both corpora, reflecting shared representations of the psychological and physical experiences of the pandemic. Conceptual metonymies—particularly in scientific texts—also play a crucial role in representing the process of spread, consequences, and statistical aspects of the disease.

Conclusion: The analysis demonstrates that pandemic conceptualization is grounded in cognitive mechanisms shared across different types of discourse. The personification of disease and its framing in terms of war function as effective tools for simplifying and concretizing an invisible yet threatening phenomenon such as a virus. These findings highlight the importance of awareness of the social and psychological implications of metaphors in medical discourse, policymaking, media, and literature, and show that metaphor choice can significantly influence how societies understand health crises. Future studies are encouraged to investigate conceptualization patterns in other languages and cultures as well.

Cite this article: Zandiyehrad, Sh., Tabari, F. (2025). Metaphorical conceptualization of pandemics (epidemics) in scientific and literary works, with a focus on the COVID-19 pandemic. ***Incidents and Disasters Resilience***, *2*(1), 23-42. https://doi.org/10.22034/1.2.23

© Author(s) retain the copyright.

Publisher: Natural Disasters Research Institute (NDRI).
DOI: https://doi.org/10.22034/1.2.23

[Downloaded from www.disaster.ndri.ac.ir on 2026-11-18]

[DOI: https://doi.org/10.22034/1.2.23]

تاب‌آوری در برابر حوادث و سوانح

Homepage: https://disaster.ndri.ac.ir

مفهوم‌سازی استعاری پاندمی (اپیدمی) در آثار علمی و ادبی، با نگاهی به پاندمی کرونا

شاهد زندیه‌راد[1]✉، فاطمه تبری[2]

۱. نویسنده مسئول، دکتری، گروه زبان‌شناسی، دانشکده زبان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران. رایانامه: szandiehrad@gmail.com

۲. دکتری، گروه زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران. رایانامه: P.pennyroyal@yahoo.com

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:
مقاله پژوهشی

تاریخچه مقاله:
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۲۹
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۲/۰۱
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۲۹
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۴/۰۸

کلیدواژه‌ها:
استعاره مفهومی، مجاز مفهومی، گفتمان پاندمی، زبان‌شناسی شناختی، تحلیل ادبی.

چکیده

هدف: هدف این پژوهش بررسی شیوه‌های مفهوم‌سازی پاندمی در آثار ادبی و نوشته‌های علمی–پژوهشی است. در این مطالعه، استعاره‌های مفهومی، مجازهای مفهومی و موارد حس‌آمیزی مرتبط با بیماری، درد و عواطف انسانی تحلیل می‌شود تا نشان داده شود که چگونه ذهن انسان پدیده انتزاعی و پیچیده‌ای مانند همه‌گیری را به کمک سازوکارهای شناختی مشترک قابل‌فهم می‌سازد.

روش پژوهش: داده‌های زبانی به‌صورت دستی از هفت متن شامل چند اثر ادبی ترجمه‌شده در حوزه اپیدمی‌ها و سه مجموعه مقاله مرتبط با دوران شیوع کووید–۱۹ استخراج شد. تحلیل داده‌ها در چهارچوب زبان‌شناسی شناختی و بر اساس نظریه استعاره مفهومی و مجاز مفهومی انجام گرفت. تمام استعاره‌ها و مجازهای به‌کاررفته بر اساس حوزه‌های مبدأ پرتکرار –ازجمله «دشمن»، «انسان»، «موجود زنده»، «آلودگی» و «شیء»– طبقه‌بندی و با یکدیگر مقایسه شدند. همچنین تعبیرهای مربوط به احساسات، درد و نمودهای حس‌آمیزی در دو پیکره بررسی شد.

یافته‌ها: نتایج پژوهش نشان می‌دهد که با وجود تفاوت‌های ماهوی میان گفتمان ادبی و علمی، هر دو از الگوهای مفهومی یکسانی برای بازنمایی و فهم بیماری بهره می‌برند. استعاره‌های «بیماری دشمن است» و «بیماری انسان است» بالاترین فراوانی را دارند؛ در این میان نگاشت اخیر، متنوع‌ترین ساخت‌ها را ایجاد می‌کند، زیرا بیماری را در قالب موجودی با نقش‌ها، رفتارها و ویژگی‌های انسانی قابل‌درک می‌کند. علاوه بر این، استعاره‌های مرتبط با ترس، درد، رنج، ناامیدی و سایر عواطف در هر دو پیکره به‌طور نظام‌مند مشاهده می‌شود و نشان‌دهنده مشابهت در بازتاب تجربه‌های روانی و جسمیِ دوران همه‌گیری است. مجازهای مفهومی نیز، به‌ویژه در متن‌های علمی، در بازنمایی روند شیوع، پیامدها و آمار بیماری نقشی اساسی دارند.

نتیجه‌گیری: تحلیل انجام‌شده نشان می‌دهد که مفهوم‌سازی پاندمی، بر پایه سازوکارهای شناختی مشترک میان انواع گفتمان‌ها استوار است. انسان‌وارسازی بیماری و چهارچوب‌بندی آن در قالب جنگ، ابزارهای مؤثری برای ساده‌سازی و ملموس کردن پدیده‌ای نادیدنی و تهدیدکننده مانند ویروس هستند. این نتایج اهمیت آگاهی از پیامدهای اجتماعی و روانی استعاره‌ها را در گفتمان پزشکی، سیاست‌گذاری، رسانه و ادبیات برجسته می‌سازد و نشان می‌دهد که انتخاب استعاره می‌تواند بر نحوه فهم جامعه از بحران‌های سلامت تأثیرگذار باشد. پیشنهاد می‌شود که مطالعات آینده الگوهای مفهوم‌سازی را در زبان‌ها و فرهنگ‌های دیگر نیز بررسی کنند.

استناد: زندیه‌راد، شاهد؛ تبری، فاطمه. (۱۴۰۴). مفهوم‌سازی استعاری پاندمی (اپیدمی) در آثار علمی و ادبی، با نگاهی به پاندمی کرونا. *تاب‌آوری در برابر حوادث و سوانح*، ۲ (۱)، ۲۳-۴۲. https://doi.org/10.22034/1.2.23

ناشر: پژوهشکده سوانح طبیعی.

© نویسندگان.

[Downloaded from www.disaster.ndri.ac.ir on 2026-11-18]

[DOI: https://doi.org/10.22034/1.2.23]

مقدمه

همه‌گیری‌شناسی شاخه‌ای از پزشکی است که با شیوع، توزیع و کنترل بیماری‌ها سروکار دارد. متخصصان این رشته با بررسی الگو و سرعت گسترش بیماری و همچنین اندازه جمعیت مستعد بیماری، سطح وقوع بیماری را توصیف می‌کنند. بر اساس چنین شاخص‌هایی اصطلاحات متفاوتی برای توصیف سطح وقوع بیماری وجود دارد.

اندمیک یا بیماری بومی، بیماری‌ای است که به‌طور مداوم در یک جمعیت جغرافیایی وجود دارد و یا به‌طورمعمول در آن منطقه شیوع پیدا می‌کند. هایپراندمیک مشابه بیماری بومی است، با این تفاوت که سطح بیماری بسیار بالاتر است و جمعیت بیشتری را درگیر می‌کند. اپیدمیک یا همه‌گیری بیماری‌ای است که به‌طور ناگهانی گسترش پیدا می‌کند و ازآنچه به‌طورمعمول اتفاق می‌افتاد فراتر می‌رود. پاندمیک یا عالم‌گیری به بیماری‌ای اشاره دارد که در چندین کشور و یا قاره گسترش یافته است و معمولاً تعداد زیادی از جمعیت کره زمین را تحت تأثیر قرار می‌دهد. درواقع تفاوت اپیدمی و پاندمی در گستره شیوع بیماری و جمعیتی است که تحت تأثیر قرار می‌دهد. سازمان بهداشت جهانی در تاریخ ۲۱ اسفند سال ۹۸، بیماری کووید ۱۹ را یک پاندمی اعلام کرد.

پاندمی‌های برجسته در طول تاریخ

علاوه بر اچ.آی.وی که از سال ۱۹۸۲ تاکنون بیش از ۳۹ میلیون نفر را به کام مرگ کشانده است، پاندمی‌های دیگری نیز در تاریخ وجود داشته است:

- طاعون خیارکی در سال ۵۴۱ میلادی که در یک سال باعث مرگ ۲۵ تا ۵۰ میلیون نفر شد.
- طاعون سیاه در بین سال‌های ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۱ میلادی باعث مرگ بیش از ۷۵ میلیون نفر در سراسر جهان ازجمله خاورمیانه، چین، هند و اروپا شد. این طاعون در ایران نیز حدود یک سوم جمعیت را از بین برد.
- پاندمی آنفلوآنزای اسپانیایی در سال ۱۹۱۸ بیش از ۵۰ میلیون نفر را به کام مرگ کشاند.
- پاندمی آبله از قرن شانزدهم تا قرن بیستم جان ۳۰۰ تا ۵۰۰ میلیون نفر را گرفت.

در پاندمی‌ها مهار موفقیت‌آمیز بیماری بیش از هر چیز به همکاری بین سیستم‌های بهداشتی کشورهای مختلف با یکدیگر بستگی دارد. به‌بیان‌دیگر، پاندمی‌ها شرایطی می‌سازند که زندگی همه مردم دنیا به‌نوعی تحت تأثیر یکدیگر قرار می‌گیرد. عدم رعایت رفتارهای پیشگیرانه توسط یک مسافر چینی می‌تواند زندگی افراد بی‌شماری را در آسیا، اروپا و .. به خطر بیندازد. چنین شرایط کمیاب و نادری همواره دست‌مایه پرداخت‌های دراماتیک در قالب داستان یا پژوهش‌های علمی در قالب کتاب و مقاله شده است. بخش مهمی از این آثار به روایت‌های علمی–تخیلی تعلق دارد: روایتی دیستوپیایی از آینده زندگی انسان‌ها، پس از شیوع یک بیماری خطرناک. برخی از این آثار با خلق تعلیق‌های متعدد در ساختار روایت داستان خود را پیش می‌برند، برخی دیگر با نگاهی عمیق‌تر به پیامدهای انسانی و اجتماعی چنین فاجعه‌ای پرسش‌هایی تفکربرانگیز پیش روی مخاطب می‌گذارند. پاندمی کرونا در سال‌های اخیر بهانه‌ای شده است تا این آثار را از منظر برخی جنبه‌های زبانی موردمطالعه قرار دهیم.

علاوه بر حوزه ادبیات داستانی، مقالات و پژوهش‌های علمی متعددی نیز در زمان پاندمی کرونا منتشر شده است؛ آثاری در حوزه فلسفه، جامعه‌شناسی، زبان‌شناسی و ... . ازآنجایی‌که تمام آثار داستانی که در این پژوهش موردمطالعه قرار گرفته است، آثار ترجمه‌شده و غیرفارسی هستند، دو مورد از آثار غیرداستانی را از زبان فارسی انتخاب کرده‌ایم. *روزگار کرونا* و *معرفت و محنت* به زبان فارسی و *پاندمی* که اثری ترجمه‌شده است (هر سه مجموعه مقالات) برای این منظور انتخاب شده‌اند.

پیشینه پژوهش

داس[1] (۲۰۲۲) در پژوهشی تحت عنوان «قرار ملاقات با بازماندگان بیماری همه‌گیر: تحلیلی از آنفولانزای اسپانیایی در *اسب*

1. S. Das

[Downloaded from www.disaster.ndri.ac.ir on 2026-11-18]

[DOI: https://doi.org/10.22034/1.2.23]

رنگ‌پریده، سوار رنگ‌پریده کاترین آن پورتر و کووید ۱۹»[۲] از قول یک روزنامه‌نگار علم درباره آنفلوانزای اسپانیایی و تغییری که در جهان ایجاد کرد می‌گوید: این پاندمی به‌صورت فردی به یاد آورده می‌شود و نه به شکل جمعی. نه به‌عنوان یک فاجعه تاریخی، بلکه به‌عنوان میلیون‌ها تراژدی شخصی. پاندمی ۱۹۱۸ مانند جنگ جهانی اول که در همان سال آغاز شد در یادها باقی نماند و حالا یک قرن بعد، جهان خود را در چنگال یک بیماری همه‌گیر دیگر، کووید ۱۹ می‌بیند. این مقاله سعی می‌کند شباهتی را بین دو بیماری همه‌گیر بررسی کند، و منبع آن داستان غم‌انگیز یک بازمانده از آنفولانزای اسپانیایی در رمان کوتاه زندگی‌نامه‌ای کاترین آن پورتر *اسب رنگ‌پریده، سوار رنگ‌پریده* است. با اینکه این مقاله با بازنمودهای زبانی مفهوم «پاندمی» سروکار ندارد، اما از این نظر که شیوع کرونا انگیزه مطالعه درباره یک پاندمی دیگر شده است و منبع موردمطالعه نیز ادبیات است، در این بخش به آن اشاره شده است.

در مقاله‌ای دیگر[۳]، آگاروال[۴] (۲۰۱۵) به این نکته اشاره می‌کند که در دوره‌ای که یک بیماری همه‌گیر رخ می‌دهد، انسان‌ها برای اینکه موقعیت پیش‌آمده را بهتر درک کنند، به آثار ادبی‌ای روی می‌آورند که شیوع واقعی یا تخیلی را بررسی کرده است. زمانی که همه‌گیری کرونا سلطه خود را گسترش می‌داد، فروش *طاعون* آلبر کامو افزایش یافت و آثار مشابه محبوبیت بالایی پیدا کردند. در ادامه، نویسنده به طبقه‌بندی این آثار می‌پردازد: بسیاری از آثار کلاسیک از استعاره یک بیماری همه‌گیر برای بررسی دقیق مسائل سیاسی و شخصی استفاده کرده‌اند، درحالی‌که برخی دیگر خاطرات بیماری‌های واقعی و تجربیات واقعی را ارائه می‌دهند.

آلداما[۵] (۲۰۱۵) یکی دیگر از پژوهشگرانی است که در مقاله[۶] خود شرایط جامعه امروز را زمان مناسبی برای مطالعه درباره نحوه پرداخت ادبیات به موضوع همه‌گیری دانسته است. ازنظر او ادبیات می‌تواند نقش مهمی در شکل‌دهی واکنش‌های ما به همه‌گیری کرونا ایفا کند؛ می‌تواند رویکردهای مهمی را در مورد نحوه برخورد افراد با آسیب‌های ناشی از بیماری‌های همه‌گیر در گذشته و نحوه زنده ماندن در موقعیتی خارج از کنترل به ما ارائه دهد. باتوجه‌به تغییرات و چالش‌هایی که ممکن است ویروس کرونا برای ما به ارمغان بیاورد، باید بدانیم که دنیایی که امروز در آن زندگی می‌کنیم با بحران بیولوژیکی گذشته شکل گرفته است. این درک می‌تواند به ما کمک کند تا با چالش‌های موجود در وضعیت عالم‌گیر کنونی مقابله کنیم. ادبیات می‌تواند به ما نشان دهد که چگونه بحران بر زندگی افراد مبتلا تأثیر گذاشته است.

رودولف سردی[۷] (۲۰۲۲) نیز در مقاله‌ای با عنوان «ما داستان‌هایی هستیم که روایت می‌کنیم: روایت‌ها از عالم‌گیری و کووید ۱۹»[۸] می‌گوید که از روزهای آغازین ادبیات، واکنش هنرمندان به انواع بحران‌های مرتبط با سلامت به طرق مختلف به تولیدات ادبی هم در جهان غرب و هم غیرازآن منجر شده است. بازنمایی ادبی بیماری‌های عفونی، طاعون، آنفولانزا و آبله بخشی از یک سنت ادبی طولانی است. همه‌گیری کنونی کووید ۱۹ را می‌توان به‌عنوان یادآوری شوم از هرج‌ومرج زندگی انسان خواند و ازاین‌رو وسیله‌ای است برای به حرکت درآوردن چرخ‌های خلاقیت هنری با تولید روایتی گفتمانی، ذهنی، روان‌شناختی و اخلاقی.

رینامی[۹] (۲۰۲۲) در مقاله «پاندمی و ادبیات در طول زمان: یک مطالعه موردی»[۱۰] معتقد است مطالعه بیماری‌های همه‌گیر به افراد کمک می‌کند تا سیاست، ساختارهای اقتصادی–اجتماعی و روابط شخصی را در معنایی وسیع‌تر درک کنند. در چنین بحرانی، ادبیات ما را فراتر از آمار مرگ‌ومیر جهانی و میزان شیوع آن می‌برد تا نشان دهد که چگونه بحران بر زندگی فردی افراد مبتلا و همچنین خانواده‌ها، دوستان، همسایگان و جامعه به‌عنوان یک کل تأثیر گذاشته است. در این پژوهش نیز به این نکته

2. Rendezvous with the Pandemic Survivors: An Analysis of the Spanish Flu in Katherine Anne Porter's "Pale Horse, Pale Rider" and COVID-19
3. Pandemic Literature-Seeking Meaning in Disaster
4. D. Agarwal
5. F. L. Aldama
6. What Literature Tells Us about the Pandemic
7. R. Sardi
8. We Are the Stories We Tell: Pandemic Narratives and COVID-19
9. V. L. Rinawmi
10. Pandemic and Literature through the Ages: A Case Study

[Downloaded from www.disaster.ndri.ac.ir on 2026-11-18]
[DOI: https://doi.org/10.22034/1.2.23]

اشاره می‌شود که محبوبیت آثار ادبی که با طاعون، بیماری‌های همه‌گیر و سایر اشکال بحران‌های بیولوژیکی سروکار دارند، در دوران شیوع کرونا افزایش شدیدی داشته است. این درواقع یادآوری این نکته است که حتی سخت‌ترین روزها نیز می‌توانند پیروزی روح انسانی را که در آثار ادبی متعدد منعکس شده است، تحریک کند و به نمایش بگذارد.

در بسیاری از این پژوهش‌ها به درون‌مایه‌های مشترک بین آثار مرتبط با پاندمی پرداخته شده است. چند درون‌مایه هستند که در تمام آثار تحت تبعات روانی زندگی در دوران پاندمی، تکرار می‌شوند. یکی از این درون‌مایه‌ها، نمایش پاندمی در نقش مرتفع‌کننده بزرگ اختلاف طبقات اجتماعی است. اگرچه مطالعات کنونی نشان می‌دهد بیشترین آسیب پاندمی‌ها، متوجه طبقه فقراست؛ پیش از تحلیل آمار و ارقام، نمایش قدرت پاندمی در رفع این اختلاف یکی از موتیف‌های رایج در این ژانر هنری بود. این ایده که بیماری‌های مسری بهترین و بدترین وجه انسان را آشکار می‌کنند، یکی دیگر از این درون‌مایه‌های مشترک است. موضوع کلی همه‌گیری در نقش مجازات برای بشر از دیگر مضامینی است که در آثار برخاسته از این فضا تکرار می‌شود. انسان‌ها هزاران سال است به دنبال توجیه مصیبت و بلا بوده‌اند و در این راه به ایده خشم خداوند یا خداوندگان روی آورده‌اند. درست همان‌طور که در ایلیاد هومر، آپولو یونانیان را به خاطر دزدیدن دختران یکی از کشیشانش، به طاعون مبتلا می‌کند.

همان‌گونه که مشاهده می‌کنید بررسی آثار ادبی با موضوع پاندمی بیشتر بر وجوه مشترک این آثار از منظر درون‌مایه و پرداخت ادبی است. بررسی زبان‌شناختی، ازطریق مطالعه استعاره‌ها و مجازهای مفهومی در آثار ادبی و غیرازآن در هیچ پژوهشی دیده نشده است.

اما شاید مهم‌ترین آثاری که می‌توان به‌عنوان پیشینه در این بخش معرفی کرد *مرگ مادر زیبایی است*[11] (۱۹۸۷) و *ذهن ادبی*[12](۱۹۹۶) اثر ترنر[13] و *شعرشناسی شناختی*[14] (۲۰۱۹) اثر استاکول[15] باشد. مارک ترنر در کتاب اول نشان می‌دهد که زبان در ادبیات و زندگی روزمره بیان‌های متفاوتی است که از یک سازوکار جهانی واحد در ذهن نشأت می‌گیرند. او با تکیه بر زبان‌ها و استعاره‌های خویشاوندی و علیت، و همین‌طور با تکیه بر مثال‌های بی‌شمار از ادبیات انگلیسی استدلالی قوی ارائه می‌دهد، مبنی بر اینکه تمام تفکر ما در مورد زبان به طیف محدودی از استعاره‌های عمیق و الگوهای استنتاج بستگی دارد. این کتاب نشان می‌دهد که مطالعه ذهن ادبی بخشی جدایی‌ناپذیر از مطالعه ذهن به‌طورکلی است و به‌وضوح نشان می‌دهد که زبان روزمره و زبان ادبی حوزه‌های جداگانه‌ای نیستند که اکتشافات مربوط به یکی در مورد دیگری صادق نباشد. این کتاب فقط یک کتاب تئوری دیگر در مورد استعاره نیست، بلکه کتابی از نظریات زبانی و انتقادی است که عمیقاً در استعاره‌های خاص و تأثیرات آن‌ها غوطه‌ور شده است. در کتاب ذهن ادبی، ترنر به ما می‌گوید که داستان یک اصل اساسی در ذهن است. بیشتر تجربه، دانش و تفکر ما به‌صورت داستان سازمان‌دهی شده است. دامنه ذهنی داستان با فرافکنی بزرگ‌تر می‌شود: یک داستان به ما کمک می‌کند داستان دیگری را درک کنیم. فرافکنی یک داستان بر داستان دیگر را تمثیل می‌نامد و آن را یک اصل شناختی پایه می‌داند که در همه‌جا حاضر است؛ از عمل ساده‌ای مانند گفتن زمان گرفته تا خلاقیت‌های ادبی پیچیده. در این اثر به بررسی مکانیسم‌های تمثیل پرداخته شده است. جزئیات فنی علوم مغز و علوم ذهنی‌ای که بر استفاده ما از تمثیل هنگام تفکر، اختراع، برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری، استدلال، تصور و متقاعد کردن پرتو می‌افکند، بررسی شده است. در ادامه، ترنر فعالیت تمثیل را تجزیه‌وتحلیل می‌کند، منشأ آن را بررسی می‌کند، در مورد پایه‌های بیولوژیکی و تکوینی آن گمانه‌زنی می‌کند و دامنه آن را نشان می‌دهد. در فصل آخر این احتمال را مطرح می‌کند که زبان منبع تمثیل نیست، بلکه محصول پیچیده آن است. او در این نظریه مهم می‌گوید که ذهن ادبی (ذهن داستان‌ها و تمثیل‌ها) پیرامونی نیست، بلکه پایه تفکر است. داستان، پایه اصلی تجربه و دانش ماست. تمثیل (همان فرافکنی داستان برای معنا دادن به مواجهه جدید) ابزاری ضروری برای استدلال روزمره است. تفکر ادبی

11. Death is the Mother of Beauty: Mind, Metaphor,Criticism
12. The Literary Mind: The Origins of Thought and Language
13. Turner
14. Cognitive Poetics: An Introduction
15. P. Stockwell

[Downloaded from www.disaster.ndri.ac.ir on 2026-11-18]
[DOI: https://doi.org/10.22034/1.2.23]

تفکر روزمره را ممکن می‌سازد. یعنی مسئله اساسی برای علوم شناختی ماهیت تفکر ادبی است. ترنر به مخالفت با دیدگاه رایجی برمی‌خیزد که ذهن روزمره را ذهنی غیرادبی می‌داند و ذهن ادبی را اختیاری می‌داند و معتقد است تمثیل ریشه ذهن انسان است و همه ما ذهن ادبی داریم.

استاکول (۲۰۱۹) در شعرشناسی شناختی در هر فصل خواننده را تشویق می‌کند تا رویکرد جدیدی را برای درک ادبیات و تحلیل ادبی اتخاذ کند. در هر فصل چهارچوب‌های متفاوتی در شعرشناسی شناختی معرفی می‌شوند و سپس این چهارچوب جدید را به یک متن ادبی ارتباط می‌دهد. این اثر شامل نظریه‌های جدید، چهارچوب‌ها و مثال‌هایی است که معنای ادبی، قدرت خواندن و نیروی ادبی و عاطفی را بازتوضیح می‌دهد. مثال‌های متعدد آن متونی ادبی از انگلیسی باستان تا ادبیات معاصر، و همین‌طور ژانرهای مذهبی، رئالیستی، رمانتیک، علمی–تخیلی و سوررئالیستی و شعر، نثر و نمایشنامه را در برمی‌گیرد.

در ارتباط با تفاوت استعاره در زبان خودکار و زبان ادبی به دو مقاله از پژوهشگران ایرانی نیز اشاره می‌شود. خسرو عباسی (۲۰۱۳) در مقاله «مقایسه استعاره در زبان ادب و زبان خودکار» معتقد است میان طبقات مختلف استعاره، استعاره‌های تصویری و غیرتصویری، استعاره‌های زبان خودکار و زبان ادب، مرزبندی قاطعی وجود ندارد و ارتباط میان این استعاره‌ها، پیوستاری است. استعاره به‌عنوان ابزاری برای شناخت و اندیشیدن در زبان خودکار (استعاره‌های غیرتصویری) و هم ابزاری برای خلق و آفرینش ادبی و برجسته‌سازی در زبان ادب و زبان خودکار (استعاره‌های تصویری) به کار گرفته می‌شود. جولایی و افراشی (۲۰۲۰) نیز در مقاله‌ای با عنوان «تفاوت‌ها و شباهت‌های مفهوم‌سازی غم در زبان خودکار و زبان شعر: رویکردی شناختی» به بررسی و تطبیق مفهوم‌سازی استعاره‌های «غم» در زبان خودکار و زبان شعر معاصر پرداخته‌اند و درباره شباهت‌ها و تفاوت‌های این دو گونه زبانی بحث کرده‌اند. نام‌نگاشت‌های عام و خاص استعاره‌های «غم» از داده‌هایی از هر دو گونه زبان خودکار و زبان شعر به‌صورت جداگانه و باتوجه‌به نظریه استعاره مفهومی لیکاف و جانسون تحلیل کردند. نتیجه‌ای که به دست آمد نشان می‌دهد که نام‌نگاشت‌های عام استعاره‌های شعری با استعاره‌های زبان خودکار شباهت بسیاری دارند و شاعران همان استعاره‌های قراردادی را به شیوه‌ای خلاقانه به کار می‌گیرند و با سازوکارهای شناختی گوناگون ازجمله بسط، گسترش، پرسش، ترکیب، دلالت‌های چندگانه، جان‌بخشی به پدیده‌های طبیعی و ... استعاره‌های ادبی می‌سازند. این پژوهش نیز نظر پژوهشگرانی چون لیکاف و ترنر را تأیید می‌کند و نشان می‌دهد تفاوت معنی‌داری میان استعاره‌های ادبی و قراردادی موجود در زبان خودکار و زبان شعر ازنظر مفهوم‌سازی غم وجود ندارد.

روش پژوهش

این پژوهش در چهارچوب نظری زبان‌شناسی شناختی، به‌ویژه نظریه استعاره مفهومی و مجاز مفهومی، قرار می‌گیرد؛ مفهوم‌سازی درد و بیماری حوزه وسیعی از مفهوم‌سازی انتزاعی را شامل می‌شود که به شیوه‌ای روشمند ازطریق تحلیل استعاره‌ها و مجازها انجام می‌شود. در این چهارچوب پرسش اصلی از این قرار است: ذهن انسان چه ویژگی‌هایی دارد که به زبان شکل کنونی آن را بخشیده است؟ فرض بنیادی در این شاخه علمی این است که ذهن انسان همانند ابزاری رایانشی (بازنمودی و پردازشی) عمل می‌کند و نه با خود «چیز»ها بلکه با بازنمود ذهنی آن‌ها سروکار دارد (Von Eckardt, 1993). بازنمود می‌تواند نشانه یا مجموعه‌ای از نشانه‌ها باشد که در نبود چیزی به آن دلالت کند (Eysenck & Keane, 1995). در معناشناسی شناختی ارتباط بین بازنمودها با ذهن، زبان و جهان خارج موردمطالعه قرار می‌گیرد و به ابعاد شناختی ارتباط زبانی پرداخته می‌شود. درواقع شناخت به تمام جنبه‌های آگاهانه و ناخودآگاه عملکرد ذهن اطلاق می‌شود و فرایندهای ذهنی متنوعی را شامل می‌شود (Evans, 2007). یکی از این فرایندها مقوله‌بندی است که زبان به‌عنوان پردازشگر دانش به‌دست‌آمده از جهان، با ایجاد مجموعه ساخت‌مندی از مقولات معنی‌دار به ما کمک می‌کند تا با تجربیات جدید مواجه شویم و اطلاعاتمان را درباره تجربیات قدیم ذخیره کنیم. در حقیقت در زبان‌شناسی شناختی زبان ابزاری برای مقوله‌بندی تجربه است (Afraashi, 2016). همین ابزار است که این امکان را به ما می‌دهد تا کرونا را در مقوله بیماری قرار دهیم و علی‌رغم تفاوت‌هایی که در شکل ابتلا، خطرات آن، دوره

[Downloaded from www.disaster.ndri.ac.ir on 2026-11-18]

[DOI: https://doi.org/10.22034/1.2.23]

یا شیوه درمان با بیماری‌های دیگری نظیر دیابت، سرطان، رماتیسم و ... دارد بتوانیم از تجربیات پیشین خود برای مواجهه با آن، یا سخن گفتن راجع به آن بهره ببریم. لازم است به این نکته نیز اشاره کنیم که زبان‌شناسی شناختی یک چهارچوب نظری منعطف است و نه یک نظریه زبانی واحد؛ ازجمله نظریه‌هایی که با برچسب معناشناسی شناختی معرفی می‌شوند. می‌توان به مواردی چون نظریه استعاره مفهومی، مجاز مفهومی، نظریه فضاهای ذهنی[۱۶]، چندمعنایی نظام‌مند[۱۷]، معناشناسی قالب[۱۸] و فرازبان معنایی طبیعی[۱۹] اشاره کرد. در این چهارچوب نظری مبنای بدن‌مند شناخت به‌عنوان الگوی اصلی ادراک و مفهوم‌سازی و وجه مشترک تمام رویکردهای شناختی نسبت به معنا معرفی می‌شود. یعنی کنش معنادار انسان در محیط و درک کنش معنادار موجودات دیگر در محیط بر مبنای عملکرد بدن‌مند ذهن و معنا از ارکان اصلی معناشناسی شناختی است (Lakoff & Johnson, 1980).

در نظریه استعاره مفهومی، لیکاف[۲۰] (۱۹۹۳) به استعاره به‌مثابه ابزار تفکر و جهان‌بینی می‌نگرد و نه صرفاً یک آرایه زبانی و ادبی. در استعاره مفهومی تناظر نظام‌مندی میان برخی حوزه‌های مفهومی شکل می‌گیرد که به آن نگاشت استعاری گفته می‌شود. از میان آن دو حوزه مفهومی حاضر در یک نگاشت، آن مفهومی که عینی‌تر است و مبنای یک درک مفهومی انتزاعی‌تر شده است را حوزه مبدأ و آن مفهومی که انتزاعی‌تر است، را حوزه مقصد می‌نامیم.

به این مثال‌ها توجه کنید:

– **شعله‌های این طاعون** را در سینه‌های مردم منتشر کرد. (۲۲۰)

در این جمله بیماری طاعون با کمک مفهوم «آتش» قابل‌درک شده است. نگاشت استعاری [بیماری آتش است] به ساخت این استعاره مفهومی منجر شده است.

– مسئولین کلیسا در شهرمان تصمیم گرفتند با سلاح خودشان **به جنگ با طاعون** بروند. (۸۹)

نگاشت استعاری [بیماری دشمن است] مبنای ساخت استعاره‌های متعدد در این حوزه است.

ارتباط بین یک مفهوم و مفهوم دیگر می‌تواند منجر به تولید مجاز مفهومی شود. در رویکرد زبان‌شناسی شناختی، در حوزه مجاز هدف محدود کردن این روابط نیست، بلکه کشف نظام‌مندی بین آن‌ها است؛ یعنی این رابطه‌ها می‌تواند بسیار متنوع باشد. مجاز مانند سایر جنبه‌های معنا در رویکرد شناختی بافت‌بنیاد است. کووچش[۲۱] (۲۰۱۰: ۱۷۳) مجاز را محصول رابطه محمل[۲۲] و مقصد[۲۳] می‌داند. محمل، یعنی آنچه در جمله حاضر است، و مقصد، یعنی مفهومی که باتوجه‌به بافت، محمل به ما منتقل می‌کند، هر دو به یک حوزه شناختی تعلق دارند و بین آن‌ها رابطه مجاورت مفهومی[۲۴] برقرار است. به این مثال‌ها توجه کنید:

– او توجهی به‌سرعت رو به رشد طاعون نداشت.

در مثال فوق شاهد یک مجاز مفهومی هستیم: طاعون به‌عنوان محمل مجاز از «شیوع گسترده بیماری طاعون» به‌عنوان مقصد است.

– راجع به کسی حرف می‌زدند که از آنفلوانزا دیوانه شده بود.

در این مثال نیز «آنفلوانزا» مجاز از «ابتلا به بیماری آنفلوانزا» است.

– دو تای اول پیش از طاعون کشاورزی می‌کردند.

در این جمله نمونه‌ای از مجاز مفهومی را مشاهده می‌کنید: «طاعون» مجاز از «شیوع گسترده بیماری طاعون» است.

16. mental spaces theory
17. principled polysemy
18. frame semantics
19. natural semantic meta-language
20. G. Lakoff
21. Kövecses
22. vehicle
23. target
24. conceptual contiguity

[Downloaded from www.disaster.ndri.ac.ir on 2026-11-18]

[DOI: https://doi.org/10.22034/1.2.23]

– آنتی‌بیوتیک‌هایی که برداشته‌ایم را ادامه بده.

در این مثال نیز «آنتی‌بیوتیک» مجاز از «مصرف داروی آنتی‌بیوتیک» است.

در مثال‌های حوزه مجاز مفهومی نیز باید این نکته را در نظر داشته باشیم که مجاز نیز مانند سایر جنبه‌های معنا در رویکرد شناختی بافت‌بنیاد است. پس با در نظر گرفتن بافت زبانی در مثالی که پیشتر ذکر شد، «طاعون» درواقع مجاز از «شیوع گسترده بیماری طاعون» است؛ چراکه بین «طاعون» و «شیوع» آن مجاورت مفهومی برقرار است.

یکی دیگر از موضوعاتی که در این مقاله به آن پرداخته می‌شود، مسئله مفهوم‌سازی عواطف و احساسات (حس درد و بیماری) در دوران همه‌گیری است. مطالعه علمی عواطف، به‌خصوص رابطه عواطف و زبان در قرن اخیر بسیار موردتوجه بوده است. در گذشته اغلب، احساسات و عواطف در تقابل با تعقل و منطق قرار می‌گرفتند و درنتیجه موردمطالعه علمی واقع نمی‌شدند. امروزه علم شناخت با اتکا به شواهد عصب‌شناختی اهمیت مطالعه علمی عواطف و بازنمودهای آن را به لحاظ روان‌شناختی، فرهنگی و زبان‌شناختی برجسته کرده است. پژوهش در حوزه روان‌شناسی رشد نشان می‌دهد که الگوی بازتاب‌های عاطفی در اشخاص در دوره نوزادی شکل می‌گیرد و از مبانی اصلی شخصیت است. اشخاص در تجربه احساسات باهم تفاوت دارند. این تفاوت هم در عوامل برانگیزنده احساساتی نظیر خشم، ترس، غم و ... دیده می‌شود و هم در واکنش افراد به این احساسات. اما نکته حائز اهمیت این است که فرهنگ می‌تواند بر احساسات ما تأثیر بگذارد و دیگر اینکه ابراز و بازنمایی عواطف و احساسات افرادی که در یک فرهنگ زندگی می‌کنند نیز از آن فرهنگ تأثیر می‌پذیرد. یکی از مهم‌ترین تجربیاتی که نحوه بازنمایی آن اهمیت بالایی دارد، احساس درد و بیماری است. بیان درد اغلب اوقات با کمک استعاره‌ها صورت می‌گیرد و آشنایی با این نحوه بازنمایی احساسات در درک، تشخیص و حتی درمان بیماری می‌تواند تأثیرگذار باشد. به‌بیان‌دیگر، بخش مهمی از فرایند تشخیص درد و بیماری از ابراز علائم و نشانه‌های بیماری از سوی مبتلایان انجام می‌شود. به همین دلیل یک حوزه مهم در مطالعات استعاره، استعاره‌های درد و بیماری هستند که در آن اولاً یک جهانی معناشناختی مدنظر قرار می‌گیرد و ثانیاً در همه زبان‌ها و فرهنگ‌ها افراد از استعاره‌ها و مجازها برای بیان درد و بیماری بهره می‌برند. پس زبان یک وسیله مهم در بیان درد و بیماری است و زبان‌های مختلف در این شیوه‌های بیانی با هم تفاوت‌هایی دارند. حال باید دید که در حیطه بیانی کردن مصائب همه‌گیری چه بازنمودهای استعاری در زبان به کار گرفته شده‌اند. پس در کنار دستاوردهای شناختی و پیکره‌ای، در این مقاله رابطه درد و بیماری و زبان و استعاره هم موردتوجه قرار خواهد گرفت.

به مثال‌های زیر توجه کنید:

– ... تا آن‌ها را برای **غلبه** بر ترسشان متقاعد کنیم.

در این نمونه از نگاشت استعاری [ترس دشمن است] برای مفهوم‌سازی این احساس استفاده شده است.

– ترس از طاعون پیشاپیش به جانمان **چنگ انداخته بود**.

در مثال فوق باز هم با مفهوم‌سازی احساس ترس مواجه هستیم، اما در قالب یک نگاشت استعاری دیگر: [ترس حیوان درنده است].

– هرکسی می‌بایست درد و ناراحتی‌اش را به‌تنهایی **حمل می‌کرد**.

در این نمونه نگاشت استعاری [درد بار است] برای مفهوم‌سازی درد و رنج ناشی از ابتلا به بیماری به کار گرفته شده است.

– لانا **تسلیم** دردهای تولد بود.

در این مثال نیز درد به کمک مفهوم حریف (دشمن) درک‌پذیر شده است: [درد حریف است].

یک ابزار دیگر در حوزه معناشناسی شناختی که در این پژوهش به‌اختصار به آن پرداخته خواهد شد، حس‌آمیزی[۲۵] است. حس‌آمیزی پدیده‌ای ادراکی است که بر اساس آن، تحریک یکی از حواس موجب تحریک یک یا چند حس دیگر می‌شود

25. synesthesia

[Downloaded from www.disaster.ndri.ac.ir on 2026-11-18]

[DOI: https://doi.org/10.22034/1.2.23]

(Afraashi & Joolaee, 2020). در این تعریف به فرایندی اشاره می‌شود که در حوزه ادراک برای فرد حس‌آمیخته رخ می‌دهد. اما اهمیت این فرایند در زبان هنگامی بروز پیدا می‌کند که ما ادراک خود ازطریق یکی از حواس را در قالب حسی دیگر بیان کنیم (Preminger., 1974). بازنمایی زبانی در این وضعیت معمولاً ازطریق استعاره‌های مفهومی و ترکیب‌های وصفی صورت می‌گیرد. بدین‌صورت که یکی از حواس در جایگاه حس مبدأ برای توصیف حسی دیگر در جایگاه حس مقصد به کار می‌رود و از این نگاشت استعاری، استعاره‌های مفهومی حس‌آمیخته شکل می‌گیرند. به این مثال‌ها توجه کنید:

– **صدای سوزش** پوستش را می‌توانستم حس کنم.

در این مثال نویسنده برای توصیف تجربه‌ای در حوزه حس لامسه (سوختن) از حس شنوایی استفاده کرده است.

– از فرط خستگی چشمانش بی‌فروغ ولی لحن **صدایش** هنوز **پرحرارت** بود.

در این مثال، جهت توصیف دقیقاً عکس مثال قبل است: برای توصیف تجربه‌ای در حوزه حس شنوایی (لحن صدا) از حس لامسه (گرما) استفاده شده است.

موارد رخداد عبارات حس‌آمیخته در پیکره موردبررسی بسیار محدود است، بااین‌حال اشاره به آن جنبه دیگری از سازوکار ذهن انسان را می‌نمایاند.

پیکره‌ای که در این پژوهش برای استخراج داده‌های زبانی انتخاب شده است شامل چند اثر ادبی ترجمه‌شده با موضوع بیماری‌های همه‌گیر، و چند مجموعه مقالات با موضوع همه‌گیری کرونا است. هدف از این مطالعه بررسی استعاره‌ها و مجازهای مفهومی و همین‌طور حس‌آمیزی برای مفهوم‌سازی بیماری و عواطف و احساسات در یک دوره زمانی پرالتهاب است. آثار داستانی به این قرارند: *طاعون سرخ* اثر جک لندن و ترجمه فرشته شایان، *تراژدی‌های کوچک* اثر الکساندر سرگییویچ پوشکین و ترجمه آبتین گلکار، *طاعون* اثر آلبر کامو و ترجمه حسین کاظمی یزدی، *کرگدن* اثر اوژن یونسکو و ترجمه جلال آل احمد، *جذبه ستاره‌ها* اثر اما داناهیو[۲۶] و ترجمه پروانه عزیزی، *سال اول* اثر نورا رابرتز و ترجمه گیتا شیخ‌الاسلامی. مجموعه مقالات نیز شامل *معرفت و محنت* از مجموعه نویسندگان با تهیه و تدوین سید محسن علوی پور و حوریه احدی، *روزگار کرونا* اثر ناصر فکوهی و *پاندمی کرونا دنیا را تکان می‌دهد* اثر اسلاوی ژیژک[۲۷] و ترجمه نوید گرگین است. استخراج داده‌ها از این پیکره تماماً به‌صورت دستی صورت گرفته است.

یافته‌های پژوهش

در این بخش به تحلیل داده‌های مربوط به هر اثر به‌صورت جداگانه پرداخته می‌شود و مثال‌هایی برای درک بهتر ارائه می‌شود.

طاعون

دکتر ریو که به شکل خستگی‌ناپذیری در میان شهروندان طاعون‌زده اورِن حضور دارد، نبردی را با دنیایی پوچ و ناعادلانه در پیش می‌گیرد: «ما از انسان ناامید نمی‌شویم و خالی از هرگونه حس جاه‌طلبی غیرمنطقی برای نجات مردم، هنوز می‌خواهیم که به آن‌ها خدمت کنیم». به عقیده منتقدان یک مدل‌سازی ریاضی در به تصویر کشیدن تراژدی در این اثر دیده می‌شود. مبنای شکل‌گیری اثر نیز استعاره‌ای است از زمان اشغال فرانسه توسط آلمان نازی در طول جنگ جهانی دوم. در این اثر، که یکی از معروف‌ترین و پرمخاطب‌ترین آثار با موضوع اپیدمی است، شخصیت اصلی داستان، نه دکتر ریو، بلکه خود طاعون است. طاعون کنترل شهر و زندگی انسان‌ها را در دست دارد و همه‌چیز را تحت تأثیر خود قرار داده است. *طاعون* آلبر کامو ذیل ژانرهای تخیلی، کلاسیک و فلسفی قرار می‌گیرد.

این اثر از منظر تعداد و تنوع استعاره‌های به‌کاررفته در بالاترین مرتبه نسبت به سایر آثار موردمطالعه در این پژوهش قرار می‌گیرد. کل استعاره‌های مفهومی در *طاعون* در حوزه مقصد «بیماری» ۲۴۶ مورد است:

26. E. Donoghue
27. S. Zizek

[Downloaded from www.disaster.ndri.ac.ir on 2026-11-18]

[DOI: https://doi.org/10.22034/1.2.23]

– بنابراین اولین چیزی که طاعون برای ما **به ارمغان آورد** غربت بود. (۷۰) **[بیماری انسان است]**
– طاعون **در لباس یک هنرپیشه** متلاشی‌شده به **صحنه آمده بود.** (۱۸۸) **[بیماری انسان است]**
– ما طاعون را می‌بینیم که در کنارمان **راه می‌رود** یا در محل کار **منتظرمان است.** (۲۰۸) **[بیماری انسان است]**
– پیشرفت یا عقب‌نشینی طاعون با وسواس و دقت ... . (۱۳۳) **[بیماری دشمن است]**
– طاعون بیش از هر چیز یک دشمن باهوش و قوی بود، یک برنامه‌ریز ماهر. (۱۶۸) **[بیماری دشمن است]**
– البته نه این طاعونی که الآن **جریان داشت.** (۴۵) **[بیماری حجمی دارای جریان است]**
– زیرا طاعون **تازیانه** خداست. (۹۲) **[بیماری ابزار تنبیهی است]**
– مسیحیان حبشه طاعون را **وسیله‌ای** برای زندگی جاویدان تلقی می‌کردند. (۹۵) **[بیماری ابزار است]**
– آیا نمی‌ترسد همسرش را **به طاعون آلوده کند.** (۱۹۱) **[بیماری آلودگی است]**
– طاعون از جاهایی که **لانه کرده بود ... .** (۲۶۵) **[بیماری موجود زنده است]**
در ادامه به استعاره‌هایی در حوزه عواطف، مرگ و همین‌طور سایر حوزه‌های مفهومی توجه کنید:
– گویی زمینی که خانه‌های ما در آن مستقر بود خودش را از کینه‌ای مرموز **پاک می‌کرد** ... . (۲۶) **[کینه آلودگی است]**
– در میان **امواج** مداوم ترس و طغیانی عذاب‌آور ... . (۲۷۸) **[ترس حجمی دارای جریان است]**
– در **جنگ بی‌پایان** علیه وحشت و **یورش‌های بی‌رحم** آن ... . (۲۸۷) **[ترس دشمن است]**
– بنابراین توانست **نبرد** افسرده‌کننده‌ای را که میان شادی یک انسان و انتزاع از طاعون در جریان بود، دنبال کند. (۸۸) **[شادی موجود زنده است]**
– به وطن، به خانه گم‌شده‌شان و **به** شادی **بازگردند.** (۲۷۹) **[شادی مکان است]**
– رنج‌های کودکان **نانی** برای رنج ماست. (۲۱۱) **[رنج خوردنی است]** و **[رنج موجود زنده است]**
– بار دیگر **زخمی** را احساس می‌کردند که تخیلشان **به وجود آورده بود.** (۷۱) **[تخیل دشمن است]**
– اندوهی که ... ما را **تحریک می‌کرد** تا خودمان را آزار بدهیم. (۷۴) [**اندوه دشمن است]**
– دیگر نیاز ندارد از خود در برابر ترحم محافظت کند. (۸۸) **[ترحم دشمن است]**
– هرچند این بی‌علاقگی به آن‌ها **حمله می‌کرد** ... . (۱۷۰) **[بی‌علاقگی دشمن است]**
– احساسات **تحریک‌پذیر و وحشت‌زده‌شان** با اشتباهات ناچیز **موردحمله قرار می‌گیرد.** (۱۸۴) **[عواطف موجود زنده است]**
– تنها امیدی که مردم را از انداختن خود به **آغوش** مرگ بازمی‌داشت ... . (۲۴۳) **[مرگ انسان است]**
– ... ماه‌های دراز و طولانی را که مرده **در تنهایی سپری کرده بود** جبران کنند. (۲۱۹) **[مُرده موجود زنده است]**
– ولی حافظه خیلی **مستعد سازش** نیست. (۷۴) **[حافظه انسان است]**
– ناگهان ... در **ژرف‌ترین** سکوت‌ها فرومی‌رفت. (۷۵) **[سکوت چاه است]**
– و مادرش از نگاه **تهی** او شوکه می‌شد ... . (۸۸) **[نگاه ظرف است]**
– طاعون همه رنگ‌ها را کشته و لذت را منتفی کرده بود. (۱۰۸) **[رنگ موجود زنده است]**
– در طول ماه‌های سپتامبر و اکتبر شهر به لطف طاعون **به خاک افتاد.** (۱۷۷) [**شهر موجود زنده است]**
و در ادامه نمونه‌هایی از مجازهای مفهومی را ملاحظه می‌کنید:
– اگر طاعون نبود شما الآن دستگیر شده بودید. (۱۴۸) **محمل:** طاعون/ **مقصد:** محدودیت‌های اجتماعی ایجادشده به دلیل شیوع بیماری طاعون

[Downloaded from www.disaster.ndri.ac.ir on 2026-11-18]
[DOI: https://doi.org/10.22034/1.2.23]

– او توجهی به‌سرعت روبه‌رشد طاعون نداشت. (۱۰۳) **محمل:** طاعون/ **مقصد:** شیوع بیماری طاعون

– ... به محرومیتشان همان‌طور نگاه کنند که به آمارهای طاعون. (۱۷۰) **محمل:** طاعون/ **مقصد:** آمار مرتبط با تعداد مبتلایان و جان‌باختگان بیماری طاعون

– چون طاعون به وظیفه مردم تبدیل شده بود. (۱۲۵) **محمل:** طاعون/ **مقصد:** مبارزه با طاعون

طاعون سرخ

پیرمردی به نام جیمز هوارد اسمیت، استاد سابق ادبیات در دانشگاه، در امتداد ریل‌های متروکه راه‌آهن که مدت‌هاست استفاده نشده است، همراه با چند پسر نوجوان که نوه‌هایش هستند، راه می‌رود. ۶۰ سال از زمانی که مرگ سرخ تمدن بشر را در ۲۰۱۳ نابود کرد می‌گذرد و تعداد انگشت‌شماری از بازماندگان از هر طبقه اجتماعی، تمدن خود را در دنیایی وحشی بنا کرده‌اند. هنر، علم و همه آموخته‌ها از بین رفته است، و نوادگان جوان چیزی از آن‌همه دستاورد علمی، فرهنگی و هنری نمی‌دانند. هر آنچه پیرمرد از گذشته تعریف می‌کند در نظر آن‌ها غیر از یاوه و افسانه نیست و برای نسل انسان جز جهل، بربریت و بی‌رحمی چیزی باقی نمانده است. این اثر ذیل ژانرهای ادبی علمی–تخیلی، پساآخرالزمانی و پادآرمانشهری قرار می‌گیرد. روایت پیرمرد از روزهای شیوع بیماری طاعون سرخ و اتفاقات پس‌ازآن از استعاره‌ها و مجازهای مرتبط با بیماری شکل گرفته است:

– بعد هم که مرگ سرخ **آمد**. (۱۱) **[بیماری انسان است]**

– طاعون **گریبانش را گرفته بود**. (۵۱) **[بیماری انسان است]**

– طاعون همچنان در میان ما **جولان می‌داد**. (۶۲) **[بیماری حیوان است]**

– طاعون نخستین قربانی را از میان ما **برگزید**. (۶۲) **[بیماری انسان است]**

– کهیرهای سرخ **از راه می‌رسیدند** و به‌سرعت برق تمام صورت و بدن بیمار را **فرامی‌گرفتند**. (۴۰) **[کهیر موجود زنده است]**

– و (بی‌حسی) همه بدنش را **می‌گیرد** ... زمانی که بی‌حسی به قلب **می‌رسید** مریض جان می‌داد. (۴۱) **[بی‌حسی موجود زنده است]**

– در جایی که **چنگال** مرگ هنوز بدان نرسیده بود. (۷۱) **[مرگ حیوان است]**

– نوعی حس ناامیدی عمیق به جانم **چنگ می‌زد**. (۴۵) **[ناامیدی حیوان است]**

– **دستخوش** جنونی **مهارنشدنی** شده بود. (۵۶) **[جنون حادثه است]** و **[جنون حیوانی غیرقابل‌کنترل است]**

– وحشت بر سراسر دانشگاه سایه افکنده بود. (۴۴) **[ترس مانع (شی) است]**

– **شعله** سرکشی در چهره‌اش درخشید. (۸۴) **[سرکشی آتش است]**

– نوع بشر از **قله** آن فرهنگ والا به ورطه حیات بدوی **سقوط کرده است**. (۲۵) **[فرهنگ مکانی مرتفع است]**

– تمدن با وزش **انفاس مرگ** و در **کفنی از شعله‌ها جان می‌داد**. (۶۰) **[تمدن موجود زنده است]** و **[مرگ موجود زنده است]** و **[آتش پوشش است]**

و مثال‌هایی در حوزه مجاز مفهومی:

– من واپسین انسانی هستم که روزگار طاعون را به چشم دیده. (۹۱) **محمل:** طاعون/ **مقصد:** شیوع گسترده طاعون

– دو تای اول پیش از طاعون کشاورزی می‌کردند. (۸۸) **محمل:** طاعون/ **مقصد:** شیوع گسترده طاعون

– سرعت مرگ‌ومیر رو به افزایش بود. (۴۸) **محمل:** مرگ‌ومیر/ **مقصد:** رشد آمار مرگ‌ومیر

از این اثر درمجموع ۱۷۹ استعاره استخراج شد که استعاره‌های مربوط به بیماری ۶۸ مورد (در ۸ نگاشت استعاری، پرکاربردترین نگاشت: [بیماری موجود زنده است])، استعاره‌هایی با حوزه مقصد عواطف ۹ مورد و استعاره‌هایی با حوزه مقصد مرگ ۳۵ مورد را به خود اختصاص دادند. سایر استعاره‌ها به حوزه‌های مفهومی دیگری تعلق داشتند. در بحث مجاز، ۱۴ مورد

[Downloaded from www.disaster.ndri.ac.ir on 2026-11-18]

[DOI: https://doi.org/10.22034/1.2.23]

مجاز مفهومی مرتبط با بیماری در متن مشاهده شد.

سال اول (۲۰۱۷): نورا رابرتز/ گیتا شیخ‌الاسلامی

«بیماری ناگهان می‌آید و به‌سرعت گسترش می‌یابد. ترس حتی سریع‌تر از بیماری گسترش می‌یابد. تمام آنچه انسان به آن امید بسته است، او را ناامید می‌کند. شبکه برق از هم می‌پاشد، قانون و دولت‌ها سقوط می‌کنند و بیشتر جمعیت زمین از بین می‌روند.» رمان *سال اول* یکی از متأخرترین آثار در حوزه همه‌گیری است که در گونه‌های ادبی پساآخرالزمانی، پادآرمانشهری و فانتزی قرار می‌گیرد. شخصیت اصلی این داستان زن جوانی است که بارداری‌اش هم‌زمان با شیوع بیماری آغاز می‌شود و تلاش می‌کند تا با کمک همسر و همراهان دیگرش، طی یک سفر پرمخاطره خودش را به محل امنی برساند. موضوع همه‌گیری بخش کوچکی از کل داستان را به خود اختصاص داده است و بسیاری از استعاره‌های مفهومی مرتبط با بیماری در این اثر به عوارض بیماری و درد مربوط می‌شود.

– بیماری از بدنش **خارج شود**. (۲۴) **[بیماری موجود زنده است]**

– بقیه تصمیم گرفتند (در برابر بیماری) **تسلیم شوند**. (۵۷) **[بیماری دشمن است]**

– پرنده‌ها **آلوده نشده‌اند**. (۲۳) **[بیماری آلودگی است]**

– وقتی خواست بر ترس خود **غلبه کند**. (۱۰) **[ترس دشمن است]**

– **رعشه‌ای** از هراس و وحشت به جان او انداخت. (۱۶) **[ترس نیرو است]**

– وحشتی که باعث می‌شد **از سرما خشکش بزند**. (۱۹۴) **[ترس سرما است]**

– گلوی لانا از این کلمات (از شدت اندوه) **فشرده شد**. (۹۳) **[اندوه نیرو است]**

– امروز او **تسلیم** اندوهش **شد**. (۱۵۲) **[اندوه دشمن است]**

– نفرت در آن‌ها **لانه کرده**. (۳۹۳) **[نفرت موجود زنده است]**

– ولی جونا ... مرگ را **شناخت**. (۳۱) **[مرگ موجود زنده است]**

– **موج** مرگ در واشنگتن **جان ... را گرفت**. (۵۶) **[مرگ حجم عظیمی از مایع است] و [مرگ گرفتن جان است]**

– او علیه **هجوم** مرگ **می‌جنگید**. (۱۰۰) **[مرگ دشمن است]**

– تاریکی خیلی به او **نزدیک شده است**. (۱۰۴) **[تاریکی موجود زنده است]**

– **اینجا** برای من زیادی **مرده است**. (۲۰۹) **[مکان موجود زنده است]**

– **کمر** زمستان **شکسته**. (۳۶۳) **[فصل انسان است]**

در ادامه مثال‌هایی از مجاز مفهومی را مشاهده می‌کنید:

– در معرض بیماری بودند. (۵۶) **محمل:** بیماری/ **مقصد:** ابتلا به بیماری (آنفلوانزا)

– زوزه‌های درد شنیده شد. (۵۱۸) **محمل:** زوزه درد/ **مقصد:** زوزه (یا نعره) از شدت درد

در پایان به موارد رخ داد فرایند حس‌آمیزی در این اثر توجه کنید:

از فرط خستگی چشمانش بی‌فروغ ولی لحن صدایش هنوز **پرحرارت** بود. (۴۵) **شنوایی و لامسه**

صدایش ضعیف و **خراشیده** به نظر می‌رسید. (۶۰) **شنوایی و لامسه**

درخشش **لرزانی** داشت. (۸۲) **بینایی و لامسه**

جذبه ستاره‌ها (۲۰۲۲): اما داناهیو/ پروانه عزیزی

در ایرلندی که به شکلی مضاعف از جنگ و بیماری ویران شده است، پرستار جولیا پاور در بیمارستانی در مرکز شهر کار می‌کند؛ جایی که مادران باردار مبتلا به آنفولانزای جدید، در قرنطینه هستند. طیف خاص بیماران در این داستان، این اثر را از سایر آثار

[Downloaded from www.disaster.ndri.ac.ir on 2026-11-18]

[DOI: https://doi.org/10.22034/1.2.23]

ادبی متمایز می‌کند. نویسنده در مقدمه توضیح می‌دهد که نگارش این کتاب را در ۲۰۱۸ و در یک‌صدمین سالگرد آغاز شیوع آنفلوانزای اسپانیایی آغاز کرده و تلاش کرده است تا با پژوهش درباره دوران شیوع این بیماری در زمان جنگ جهانی اول، داستان را روایت کند. در ادامه، مصادف شدن شیوع بیماری کرونا با دوران بارداری خودش، الهام‌بخش قسمت‌هایی از این داستان بوده است. علاوه بر این، *جذبه ستاره‌ها* تنها اثر ادبی در پیکره این رساله است که از یک رویداد واقعی الهام گرفته است. در ادامه نمونه‌هایی از استعاره‌های مفهومی به‌دست‌آمده از این اثر را مشاهده می‌کنید:

– در **زبان** بیماری هر نشانه‌ای یه کلمه است. (۱۲۰) **[بیماری انسان است]**

– ترجیح می‌دم کار کنم تا (بیماری) **از رو بره.** (۱۳۰) **[بیماری انسان است]**

– یه آنفلوانزای معمولی یا مرغی حسابی ما رو **شکست می‌ده.** (۱۶۸) **[بیماری دشمن است]**

– به‌محض **پشت سر گذاشتن** آنفلوانزا ... . (۳۹) **[بیماری مانع است]**

– زن و مرد را در اوج جوانی **درو می‌کرد.** (۵۵) **[بیماری قاتل است]**

– بااینکه **طوفان** درونش قوی‌تر و قوی‌تر می‌شده ... . (۲۷) **[بیماری طوفان است]**

– آن دردها ... **شلیک‌های** اخطاری که به‌جای یورش کامل، بیشتر متوجه کمر می‌شد. (۷۹) **[درد شلیک گلوله است]**

– آن‌قدر با درد زنان دیگر **آشنا بودم** که تقریباً می‌توانستم لحظه **آمدنش** را بشنوم. **[درد موجود زنده است]**

– برای بعضی از بیماران ماه‌ها طول می‌کشید تا با آنفلوانزا **از پا بیفتند.** (۲۷) **[مرگ سقوط کردن است]**

– مسافرش **رفته بوده است.** (۱۱۴) **[مرگ رفتن به جهان دیگر است]**

– (مرگ) از خانه یک قربانی به خانه قربانی بعدی **می‌رفت.** (۳۴) **[مرگ موجود زنده است]**

– **دشمن** جدیدی نزدیک ماست: وحشت. (۲۴) **[ترس دشمن است]**

– **بوی** لاک الکل، حلیم و اضطراب می‌داد. (۳۰) **[اضطراب ماده است]**

– مشغول **ثبت** درماندگی من بود. (۵۳) **[درماندگی رویداد است]**

– قوانین داخلی در حال حاضر **جواب‌گو نیست.** (۷۶) **[قانون انسان است]**

– آیا واقعاً قانون **این اجازه** را به راهبه‌ها **می‌داد**؟ (۱۹۸)

– قلب و ریه‌ها **پُرگاز می‌رفتند.** (۱۲۸) **[اندام‌ها ماشین هستند]**

– از چهارگوشه ساختمان **بدحال و خسته از جنگمان** خبر نداشتم. (۲۶۱) **[ساختمان موجود زنده است]**

در ادامه چند نمونه از مجازهای مفهومیِ *جذبه ستاره‌ها* را مشاهده کنید:

– اغلب با آنفلوانزا این اتفاق می‌افتاد. (۴۱) **محمل:** آنفلوانزا/ **مقصد:** (در اثر) ابتلا به بیماری آنفلوانزا

– طبقه همکف به بخش‌های آنفلوانزا تبدیل شده بود. (۳۰) **محمل:** بخش آنفلوانزا/ **مقصد:** بخش مراقبت از بیماران مبتلا به آنفلوانزا

– شاید برای آنفلوانزا به آن نیاز نداشت ... . (۱۹۸) **محمل:** آنفلوانزا/ **مقصد:** بهبود بیماری آنفلوانزا

– ... شروع ناگهانی آنفلوانزا لزوماً به معنای وخیم بودنش است یا نه. (۳۰۱) **محمل:** آنفلوانزا/ **مقصد:** علائم ناشی از ابتلا به بیماری آنفلوانزا

در پایان به نمونه‌هایی از حس‌آمیزی در این اثر توجه کنید:

– **صدای سوزش پوستش** را می‌توانستم حس کنم. (۵۰) **شنوایی و لامسه**

– **خطابش سرد و خشن** به نظر می‌رسید. (۱۵۴) **شنوایی و لامسه**

– آه! آن **نگاه گرم** رازآلود. (۲۸۸) **بینایی و لامسه**

پاندمی کرونا دنیا را تکان می‌دهد (۲۰۲۰): اسلاوی ژیژِک/ نوید گرگین

ژیژک فیلسوف و نظریه‌پرداز اهل اسلوونی است. او خود را یک استالینیست می‌داند و در ارتباط با وضعیت دنیا در درگیری

[Downloaded from www.disaster.ndri.ac.ir on 2026-11-18]

[DOI: https://doi.org/10.22034/1.2.23]

جدی‌اش با بیماری کرونا و عواقب آن، شکل جدیدی از کمونیسم را تنها راه‌حل احتمالی برای جلوگیری از نزول به بربریت جهانی می‌داند. انتخاب این اثر قطعاً نه در جهت موافقت با آرای نویسنده، بلکه به شکل تصادفی و به دلیل دسترسی آسان، صورت گرفته است. همان‌طور که اشاره شد این کتاب در حوزه مطالعات فلسفی جای می‌گیرد. به نمونه‌هایی از استعاره‌های به‌دست‌آمده از این اثر توجه کنید:

– آیا **درس** اپیدمی ویروس کرونا این نیست ...(۳۵) **[بیماری انسان است]**

– اپیدمی کرونا **در مشروعیت‌بخشی و توجیه اقدامات** کنترلی و تنظیمی روی مردم **نقش بازی می‌کند.** (۶۱) **[بیماری انسان است]**

– این ویروس **یک دشمن** با برنامه‌ها و استراتژی‌هایی برای نابودی ما نیست، بلکه فقط یک مکانیسم کودن است که از خودش کپی‌برداری می‌کند. (۸۵) **[بیماری دشمن است]**

– این **حادثه** (اپیدمی) چیزی نیست مگر تنبیه بی‌رحمانه ولی عادلانه بشریت ... . (۱۷) **[بیماری رویداد است]**

– می‌توان آن را **توفان ویروس** پوردوغان نامید. (۲۸) **[بیماری توفان است]**

– که اکنون برای ان (گناه) **مجازات می‌شویم** (با شیوع بیماری). (۴۳) **[بیماری ابزار تنبیهی است]**

– **مقادیر زیادی** درد و رنج را ... تحمیل می‌کنند. (۲۹) **[رنج ماده است]**

– **قربانیان** درد و رنج ... . (۵۰) **[رنج قاتل است]**

– **با استفاده** از ترس **به‌عنوان ابزاری** ... . (۳۰) **[ترس ابزار است]**

– وحشت هم **منطق خودش را دارد.** (۵۳) **[ترس انسان است]**

– این هراس ... ما را **وادار می‌کند** ... . (۷۹) **[ترس نیرو است]**

– پابه‌پای آن با سردرگمی‌های ناشی از ... **بجنگیم.** (۷۴) **[سردرگمی دشمن است]**

– با طیب خاطر **تسلیم** همه لذت‌های مجرمانه خودتان شوید. (۹۱) **[لذت دشمن است]**

– ... تا تمام تنش اینجا و اکنونیِ وضعیت را **تخلیه کنند.** (۱۰۲) **[تنش ماده است]**

– و حالا همه ما به وضعیت جنگی–پزشکی **نزدیک می‌شویم.** (۳۸) **[وضعیت مکان است]**

– آزادی‌های مدنی را **قربانی کند.** (۱۴) **[آزادی موجود زنده است]**

– چنین تهدیدی ... **مولود** نوعی همبستگی جهانی می‌شود. (۳۵) **[تهدید موجود زنده است]**

– تریلیون‌ها دلار صرف **حمله** به قوانین بازار خواهد شد. (۷۸) **[قوانین دشمن هستند]**

– نمی‌توانم با این واقعیت **بجنگم.** (۴۲) **[واقعیت دشمن است]**

– آنچه در **مختصات** نظم جهانی موجود ناممکن به نظر می‌رسد ... (۷۲) **[نظم نقشه است]**

در میان نمونه‌های استخراج‌شده مجاز مفهومی در این اثر، نکته خاصی مشاهده نشد. اکثر موارد رخداد مجاز مربوط به کاربرد نام گروه، سازمان یا اجتماع به‌عنوان محمل و افراد حاضر در آن به‌عنوان مقصد بوده است:

– حکومت چین بر اساس این فرض به پیش می‌رود. (۱۲)

– ترکیه از اروپا می‌خواهد ... (۲۹)

– اقداماتی که توسط چین و ایتالیا به انجام رسید ... . (۶۴)

– مرکز فدرال ... دستورالعملی را منتشر خواهد کرد. (۸۲)

– یقیناً تمام کشور یا حتی تمام جهان نمی‌تواند برای مدت زمان نامحدودی در قرنطینه بماند. (۸۳)

روزگار کرونا (۱۳۹۹): ناصر فکوهی

دکتر ناصر فکوهی استاد انسان‌شناسی دانشگاه تهران است. فکوهی در گفتگوها و مقالات خود با نگاهی انسان‌شناسانه به

[Downloaded from www.disaster.ndri.ac.ir on 2026-11-18]

[DOI: https://doi.org/10.22034/1.2.23]

موضوعات متفاوتی همچون جوانان و ازدواج آن‌ها، زنان، مشکلات نظام دانشگاهی، بومی‌گزینی، نقد فیلم‌های داستانی و مستند و وقایع سیاسی خاورمیانه پرداخته است. این کتاب مجموعه‌ای از نظرات رسانه‌ای و دانشگاهی نویسنده است که در فاصله اسفند ۱۳۹۸ تا خرداد ۱۳۹۹ درباره بیماری کرونا از زاویه دید علوم اجتماعی در رسانه‌ها و نشریات منتشر شده است. اهمیت این اثر در آن است که شرایط روزهای شیوع کرونا را از درون و در یکی از مراکز گسترش این بیماری در خود جمع کرده است. فکوهی معتقد است بدون تغییر سبک زندگی در سطح سیاره‌ای، امکانی برای نجات انسان‌ها از سرنوشت محتومی که برای خود رقم زده‌اند، وجود ندارد. در ادامه استعاره‌های استخراج‌شده از این اثر را ملاحظه کنید:

– اما **چهره زشت** کرونا آیینه‌ای بیش نبوده و نیست. (۱۰) **[بیماری انسان است]**

کرونا که خطرناک‌ترین **نقطه یورش** آن دستگاه تنفسی انسان‌ها است ... (۲۰۴) **[بیماری دشمن است]**

– **از شرق تا غرب** کرونا ... . (۲۵) **[بیماری مکان است]**

– ویروسی که میلیون‌ها نفر را **به کام مرگ کشید**. (۸۰) **[مرگ چاه است]**

– کل جهان را **وارد** ترس و واهمه و ... کرد. (۱۳۸) **[ترس مکان است]**

– برای **راه‌اندازی** دوباره اقتصاد ... . (۱۲۲) **[اقتصاد ماشین است]**

– **سقوط** تمدن غربی و **توخالی بودن** آن ... . (۲۸) **[تمدن شیء است]**

– **سدی** واقعی در برابر فجایع کشیده شود. (۷۱) **[فاجعه حجم عظیمی از مایع است]**

– **مسابقه‌ای** که انسان به خیال خود با طبیعت **به راه انداخته است** ... . (۷۱) **[طبیعت انسان است]**

– این **جنبش‌ها** خاموش شدند. (۱۸۷) **[جنبش اجتماعی آتش است]**

در پایان به نمونه‌هایی از مجازهای مفهومی *روزگار کرونا* توجه کنید:

– تجربه جهان و ما از کرونا. (۴۹) **محمل:** کرونا/ **مقصد:** مشکلات (بحران) ناشی از شیوع بیماری کرونا

– فاجعه اصلی بعد از ویروس رخ می‌دهد. (۴۰) **محمل:** کرونا/ **مقصد:** شیوع گسترده بیماری ناشی از ویروس کرونا

– همه‌چیز بستگی به آینده بیماری دارد. (۵۴) **محمل:** کرونا/ **مقصد:** روند تغییر گسترش بیماری در آینده

معرفت و محنت (۲۰۲۰): گروه نویسندگان

معرفت و محنت دومین جلد از مجموعه «علوم انسانی و کرونا» است که توسط پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی منتشر شده است. در خرداد ۱۳۹۹ و پس از انتشار جلد اول این مجموعه و استقبال مناسب مخاطبان، تصمیم گرفته شد تا از دانش و تخصص پژوهشگران در حوزه‌های مختلف رشته‌ای و میان‌رشته‌ای بهره گرفته شود تا در ابعادی ژرف‌تر به بررسی این بیماری و پیامدهای آن از منظر پژوهشی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و ... بپردازند. حاصل این همکاری ۲۲ مقاله است که توسط پژوهشگرانی در رشته‌های گوناگون، مانند زبان‌شناسی، روابط بین‌الملل، علوم سیاسی، حقوق و جرم‌شناسی، باستان‌شناسی، فلسفه، پژوهش هنر، شیمی معدنی و مدیریت راهبردی، به نگارش درآمده است. به مثال‌هایی از استعاره‌های به‌دست‌آمده از این اثر توجه کنید:

– ... که **در مصاف** با این بلیه با هم عمیقاً گره خورده‌اند ... . (۹) **[بیماری دشمن است]**

– کرونا روندهایی را **تحریک کرده است** که در صورت استمرار می‌تواند ... . (۵۶) **[بیماری انسان است]**

– در **مختصات** آن (اپیدمی) تحول‌ساز باشد. (۵۶) **[بیماری مکان است]**

– شنیده شده که برخی کشورهای اروپایی به‌شدت **کرونازده** ... (۸۷) **[بیماری آفت است]**

– اگرچه **تلفات** سنگینی را موجب شد ... . (۱۷۰) **[مرگ تلف شدن است]**

– **مقابله** با اضطراب ... **کنترل و مقابله** با اضطراب. (۱۰) **[اضطراب دشمن است]**

– انسان‌ها با یأس و ناامیدی **روبه‌رو می‌شدند**. (۱۱) **[ناامیدی دشمن است]**

[Downloaded from www.disaster.ndri.ac.ir on 2026-11-18]

[DOI: https://doi.org/10.22034/1.2.23]

– وابستگی جوامع و دولت‌ها ... **عمیق‌تر** از آن است ... . (۵۷) **[وابستگی چاه است]**

– **عطش** جامعه ایرانی در استفاده از فضای مجازی ... . (۵۲) **[علاقه‌مندی تشنگی است]**

– درست که علوم انسانی در ... **حضور کم‌رنگی** دارد ... . (۷۸) همان و **[علم انسان است]**

و مثال‌هایی در حوزه مجاز مفهومی:

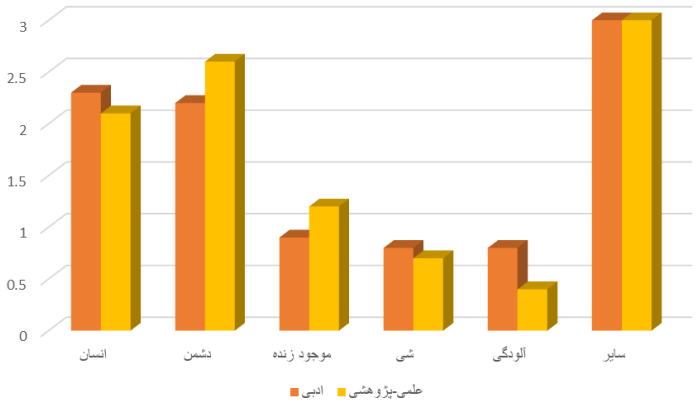
– در بسیاری از کشورها با آغاز درمان مجازی ... . (۳۴) **محمل:** درمان مجازی/ **مقصد:** به‌کارگیری درمان ازطریق فضای مجازی

– هرقدر زمان می‌گذرد وکرونا ویروس فرسایشی می‌شود ... . (۶۴) **محمل:** درمان مجازی/ **مقصد:** روند پیدایش درمان برای بیماری ناشی از کرونا ویروس

– گفت‌وگوهای کرونایی و علوم انسانی و اجتماعی. (۷۵) **محمل:** درمان مجازی/ **مقصد:** گفت‌وگو پیرامون مسائل اجتماعی پیش‌آمده در اثر شیوع کرونا

بیان نتایج

همان‌گونه که مشاهده کردید، حوزه‌های مبدأ در استعاره‌های مفهومی مرتبط با بیماری‌های همه‌گیر در پیکره ادبی و علمی–پژوهشی، با یکدیگر مشابهت دارد. بااینکه این داده‌ها از دو فضای گفتمانی متفاوت به دست آمده‌اند، ولی از حوزه‌های مفهومی مشابهی برای مفهوم‌سازی بیماری همه‌گیر بهره گرفته‌اند. بدین معنا که مهم نیست یک نویسنده رمان هستید یا یک پژوهشگر در حوزه علوم انسانی. در هر دو حالت «بیماری» برای شما یا دشمنی است که با آن می‌جنگید، یا انسان دیگری است که با آن آشنا هستید و معاشرت می‌کنید (شکل ۱). در این شکل، فراوانی حوزه‌های مفهومی پرکاربرد «دشمن» و «انسان»، «موجود زنده»، «شیء» و «آلودگی»، نسبت به کل استعاره‌های مفهومی استخراج‌شده در حوزه مقصد «بیماری» به شکل درصد به نمایش درآمده است. این حوزه‌های مفهومی ازاین‌جهت برای مقایسه انتخاب شده‌اند که در هر دو، پیکره دیده شده‌اند و تعدادی از داده‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. در تحلیل این مقایسه، همان‌گونه که ملاحظه می‌کنید، فراوانی حوزه مبدأ «دشمن» و «انسان» در متون علمی–پژوهشی بسیار به هم نزدیک است و در متون ادبی اندکی تفاوت نشان می‌دهد. علت این تفاوت نیاز به بررسی موشکافانه دارد. اما باید این نکته را نیز در نظر داشت که پیکره علمی–پژوهشی در ارتباط با بیماری کرونا و در بطن شیوع این بیماری تهیه شده‌اند، و متون ادبی از این ویژگی بی‌بهره‌اند. ممکن است در آینده و پس از فاصله گرفتن از دوران شیوع بیماری کرونا، خالقان آثار ادبی هم کمتر از حوزه مبدأ «دشمن» در مفهوم‌سازی این بیماری بهره ببرند. به‌طورکلی تنوع در حوزه‌های مبدأ در پیکره ادبی، ۴۲ مورد (به اضافه ۲۶ حوزه مبدأ در ارتباط با درد و آسیب‌های جسمی) و در پیکره علمی–پژوهشی، ۳۲ مورد است.



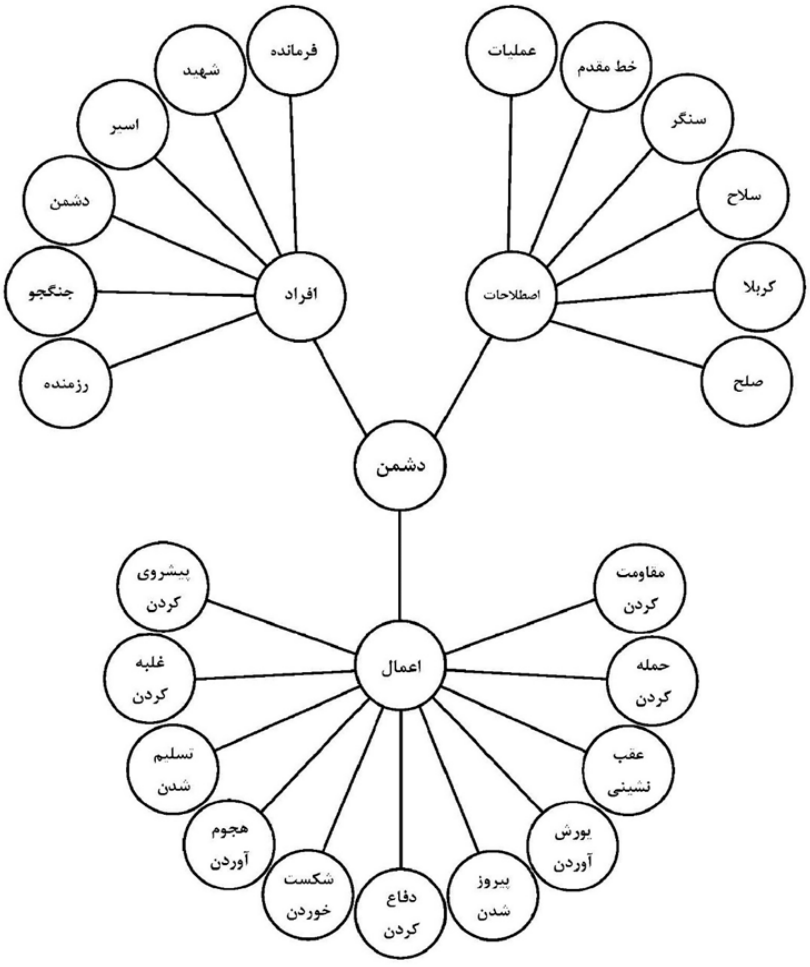
شکل ۱. مقایسه حوزه‌های مبدأ بین دو پیکره

نکته دیگر، مربوط به میزان تنوع استعاره‌های به‌دست‌آمده بر مبنای یک نگاشت استعاری واحد است. در هر نگاشت استعاری جنبه‌های مختلفی بین حوزه مبدأ و مقصد می‌تواند مبنای ساخت استعاره واقع شود. هرگاه ویژگی‌های بیشتری از حوزه مبدأ به

[Downloaded from www.disaster.ndri.ac.ir on 2026-11-18]

[DOI: https://doi.org/10.22034/1.2.23]

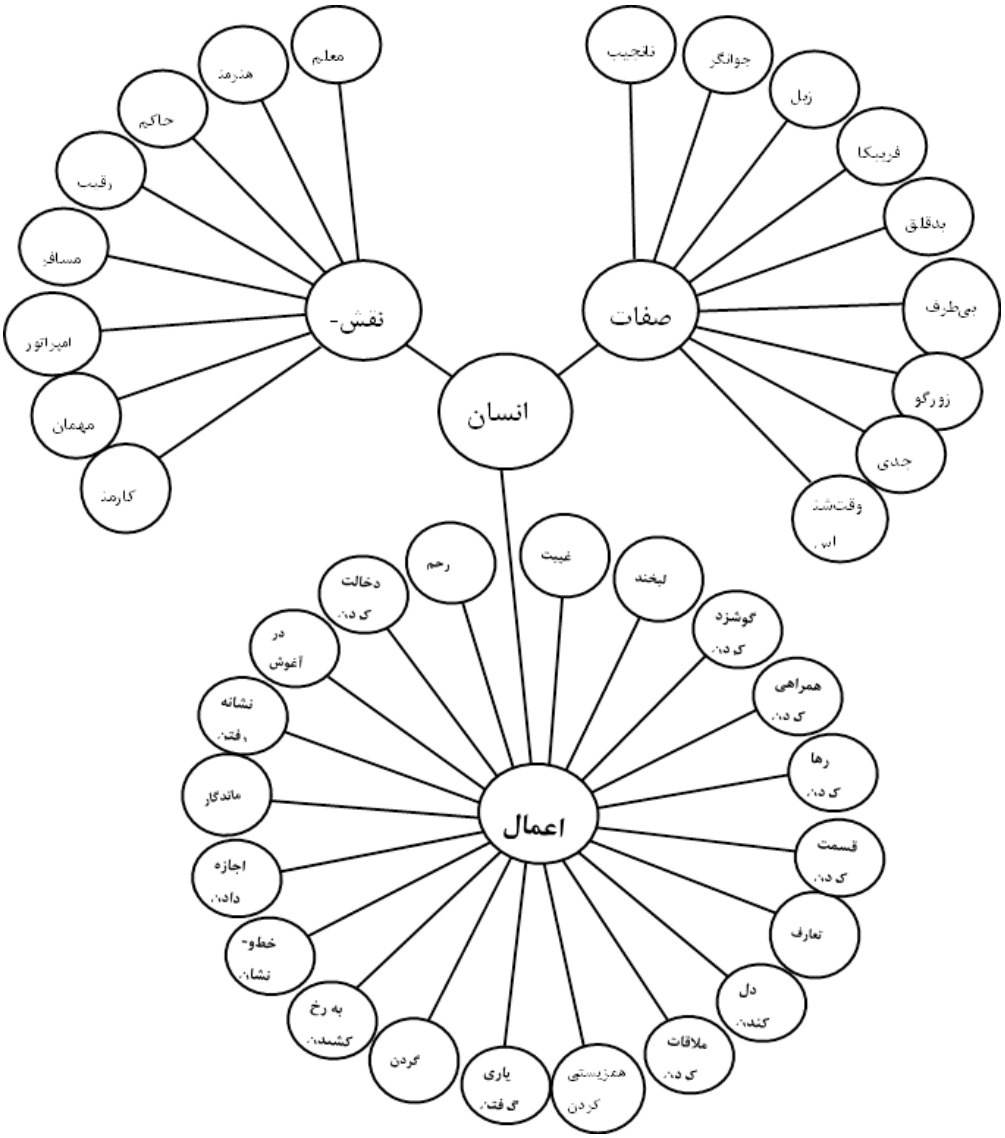
حوزه مقصد نسبت داده شود، تنوع بیشتری در استعاره‌های ساخته‌شده مشاهده می‌شود. این نکته می‌تواند نشان‌دهنده میزان شباهتی باشد که سخنگویان یک زبان میان این دو حوزه می‌بینند. نگاشت استعاری [بیماری انسان است] با بسامد ۲۲ درصد در پیکره ادبی و ۲۵ درصد در پیکره علمی-پژوهشی ازنظر فراوانی بعد از نگاشت استعاری [بیماری دشمن است] در مقام دوم قرار دارد؛ ولی تنوع استعاره‌های مفهومی ساخته‌شده بر مبنای آن به میزان قابل‌توجهی بیشتر از هر نگاشت استعاری‌ای است. بر مبنای نگاشت [بیماری دشمن است] ما با بیماری می‌جنگیم، مقابله و مبارزه می‌کنیم، سنگر می‌سازیم، مقاومت می‌کنیم، شکست می‌دهیم، ایستادگی می‌کنیم، رزمندگانی را به خط مقدم می‌فرستیم و سلاح می‌سازیم. در جبهه مقابل، بیماری به ما حمله می‌کند، یورش و هجوم می‌آورد، بر ما غلبه می‌کند یا وادار به عقب‌نشینی می‌شود. به لحاظ تنوع به زحمت ۴۶ ترکیب استعاری بر مبنای این نگاشت مشاهده می‌شود. اما در استعاره‌های مبتنی بر نگاشت [بیماری انسان است] تنوع چشمگیری دیده می‌شود. بیماری متولد می‌شود، مهمان ناخوانده‌ای است که با ما زندگی می‌کند، می‌آید، می‌رود و بازمی‌گردد، نفس تازه می‌کند و تا به خود بیایی سروکله‌اش پیدا می‌شود، رفتاری بی‌رحمانه دارد، پایش به مناطق مختلف باز می‌شود، گاهی بدشانسی می‌آورد و باز قوت قلب و جان دوباره می‌گیرد، همکارانی در کنار خود دارد، هزارچهره است، حکمرانی می‌کند، امپراتوری و سیطره دارد، سرنوشت‌ها را در دست می‌گیرد و رقم می‌زند، هنر خاصی دارد، با برخی مهربان‌تر است ولی باز هم بین فقیر و غنی فرق نمی‌گذارد و ... . این نگاشت استعاری نسبت به تمام نگاشت‌های استعاری تنوع بیشتری را نمایش می‌دهد. برای درک بهتر این مطلب به شکل‌های زیر نگاه کنید. در این بازنمود تصویری تا حدودی سعی شده است تا مفهوم‌سازی بر مبنای این دو حوزه مفهومی پرکاربرد به نمایش گذاشته شود.



شکل ۲. مفهوم‌سازی بر مبنای حوزه مفهومی دشمن

[Downloaded from www.disaster.ndri.ac.ir on 2026-11-18]

[DOI: https://doi.org/10.22034/1.2.23]



شکل ۳. مفهوم‌سازی بر مبنای حوزه مفهومی انسان

در انتها لازم است به اهمیت مفهوم‌سازی در این دو حوزه مفهومی اشاره‌ای کنیم. مفهوم جنگ ابعاد متفاوتی را در برمی‌گیرد که شامل ترس، نگرانی، استرس، ناامیدی، تنهایی و مرگ است (Seminou, 2008). از طرفی دیگر، مفهوم جنگ فقط دربرگیرنده مفاهیم منفی نیست، بلکه مفاهیم مثبتی همچون اتحاد، همبستگی، و مقاومت در مقابل دشمن را نیز تداعی می‌کند. هنگامی‌که صحبت از جنگ می‌شود، ناگزیر با نیروهای ناسازگار و در حال ستیز مواجهیم. نکته قابل‌توجه دیگر در مبحث جنگ، مدنظر داشتن اهداف و برنامه‌های راهبردی است؛ هر دو گروه، برای رسیدن به هدفی معین، سیاست‌های تدافعی ویژه‌ای را دنبال می‌کنند. لازم به یادآوری است که هر جنگی برندگان و بازندگان تعریف‌شده‌ای دارد. نکته مهم دیگری که درباره مفهوم جنگ در طرحواره‌های ذهنی ما وجود دارد، این است که جنگ هویتی ناپایدار و زودگذر دارد و روزی پایان خواهد یافت.

اهمیت و پیامدهای استعاره‌های جنگ بستگی زیادی به نحوه استفاده از آن‌ها دارد و ممکن است منجر به نتایج مثبت یا منفی شود (Flusberg, 2018). در ارتباط با بیماری‌های سختی مانند سرطان، استعاره جنگ دارای طیفی از تفاسیر است که ممکن است تأثیر جدی هم بر نحوه نگرش بیماران نسبت به وضعیت خود و هم بر نحوه رفتار دیگران نسبت به آن‌ها داشته باشد (Helman, 2007). استعاره جنگ بیش‌ازحد بر مصائب فیزیکی و فیزیولوژیکی تأکید می‌کند و ابعاد روانی و اجتماعی را نادیده

[Downloaded from www.disaster.ndri.ac.ir on 2026-11-18]
[DOI: https://doi.org/10.22034/1.2.23]

می‌گیرد (Yang, 2020). ممکن است بیماران را وحشت‌زده کند، تصویر مردانه و پدرانه از پزشکی را تقویت کند، قدرت گفتمانی بیماران را تضعیف کند، بر اطاعت بیماران از متخصصان مراقبت‌های بهداشتی بیش‌ازحد تأکید کند، و تجارب شخصی بیماران را از تجربه بیماری تضعیف کند (Harrington, 2012; Reisfield & Wilson, 2004). علی‌رغم انتقادهای مداومی که در مورد چهارچوب‌بندی مواجهه با «بیماری» در قالب «جنگ» وارد می‌شود، (Sontag, 1978; 1989)، هنوز در گفتمان سیاسی، گفتمان پزشکی، گفتمان رسانه‌ای و حتی گفتمان عمومی پرکاربرد است.

تلاش برای رهایی از استعاره بیماری، به‌ویژه استعاره‌هایی با ماهیت تهاجمی، یا جایگزینی آن با چهارچوب‌های دیگر، پیشنهادشده توسط سونتاگ[۲۸] (۱۹۸۹)، اگرچه معقول است، اما به دلایل بسیاری بی‌اثر است. استعاره در حوزه مفهومی جنگ، که بیماری را به‌عنوان یک مهاجم نشان می‌دهد، می‌تواند تا قرون‌وسطی ردیابی شود (Montgomery, 1991, cited in Lupton, 2012). اهمیت این موضوع در نیاز به بسیج مردم برای مبارزه با شرایط اضطراری، فداکاری و انجام هر کاری که برای غلبه بر یک تهدید لازم است، مربوط می‌شود (Chiang & Duann, 2007). این نگاشت استعاری افراد را با تجربیات بیماری آشنا می‌کند، به‌طور مؤثر به بیماران در درک آسیب‌ها، علت‌ها و روش‌های درمانی کمک می‌کند و مراقبت‌های پزشکی بیمارمحور را توسعه می‌دهد. بدون استعاره یا یک تناظر نظام‌مند چگونه افراد می‌توانند مفهوم انتزاعی یک بیماری همه‌گیر را درک کند؟ بااین‌حال، تلاش برای به‌کارگیری حوزه‌های مبدأ جایگزین برای مفهوم «دشمن»، همراه با در نظر گرفتن جنبه‌های اجتماعی و روانی بیماری می‌تواند یک رویکرد آگاهانه باشد. اما رسیدن به نتیجه مطلوب به‌راحتی امکان‌پذیر نیست؛ زیرا استعاره‌های ساخته‌شده بر مبنای نگاشت استعاری [بیماری دشمن است] اغلب به‌خوبی تثبیت شده‌اند و در دسته استعاره‌های متعارفی قرار دارند که به عقیده لیکاف و ترنر (۲۰۰۹) کاربرد آن‌ها «ناخودآگاه، خودکار و معمولاً بدون صرف توجه» است.

حوزه مفهومی که به لحاظ بسامد در مرتبه دوم قرار دارد، «انسان» است. انسان، خود ما هستیم. از میان تمام عناصر موجود در جهان، انسان پدیده‌ای است که بیشتر از همه مطالعه و شناخته شده است. بیشترین و بااهمیت‌ترین مواجهه روزمره هر انسانی نیز با انسان‌های دیگر صورت می‌گیرد. ما با توانایی‌های انسان و ضعف‌هایش، اعمال و رفتارش، عکس‌العمل‌ها و تلاش‌هایش، علایق و احساساتش آشنا هستیم. درنتیجه این شناخت، متنوع‌ترین ساخت‌های استعاری در پیکره موردبررسی متعلق به این حوزه معنایی است.

نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان داد که مفهوم‌سازی پاندمی، به‌ویژه در مواجهه با بحران جهانی کرونا، به‌شدت متکی بر سازوکارهای شناختی مشترک و الگوهای استعاری تثبیت‌شده در زبان است. تحلیل داده‌ها حاکی از آن است که استعاره‌هایی چون «بیماری به‌مثابه دشمن»، «جنگ با ویروس» و «انسان‌وارسازی پاندمی» در متون علمی، ادبی و گفتمان عمومی، نقش محوری در قابل‌فهم‌سازی پدیده‌ای نامرئی، پیچیده و تهدیدکننده ایفا کرده‌اند. این الگوهای استعاری به افراد و جوامع امکان داده‌اند تا تجربه‌ای انتزاعی و اضطراب‌آور را در قالب ساختارهای معنایی آشنا درک و روایت کنند.

از سوی دیگر، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که استعاره‌ها صرفاً ابزارهای زبانی خنثی نیستند، بلکه واجد پیامدهای روانی، اجتماعی و فرهنگی‌اند. چهارچوب‌بندی بیماری در قالب جنگ، اگرچه در بسیج عمومی و ایجاد حس کنش‌مندی مؤثر است، می‌تواند هم‌زمان به تشدید اضطراب، دوگانه‌سازی‌های افراطی (پیروزی/شکست) و فشار روانی بر بیماران و کادر درمان بینجامد. در مقابل، مفهوم‌سازی‌های مبتنی بر حوزه «انسان» و تجربه زیسته، امکان همدلی، درک عاطفی و مواجهه انسانی‌تر با بیماری را فراهم می‌آورد. این امر نشان می‌دهد که انتخاب استعاره در گفتمان‌های پزشکی، رسانه‌ای و ادبی، نقشی تعیین‌کننده در شکل‌دهی به فهم جمعی از بحران‌های سلامت دارد.

28. Sontag

[Downloaded from www.disaster.ndri.ac.ir on 2026-11-18]

[DOI: https://doi.org/10.22034/1.2.23]

همچنین بررسی تفاوت‌ها و هم‌پوشانی‌های استعاره‌ها در زبان خودکار و زبان ادبی نشان داد که این دو گونه زبانی نه در تقابل مطلق، بلکه در یک پیوستار معناشناختی قرار دارند. زبان ادبی با برجسته‌سازی و خلاقیت استعاری، تجربه پاندمی را عمیق‌تر و چندلایه‌تر بازنمایی می‌کند، درحالی‌که زبان خودکار با اتکا بر استعاره‌های متعارف، نقش مهمی در ارتباط روزمره و انتقال سریع معنا دارد. این پیوستار، بیانگر آن است که استعاره هم‌زمان ابزاری برای شناخت، بیان تجربه و آفرینش معنا است.

درمجموع، این پژوهش بر ضرورت آگاهی انتقادی از استعاره‌های به‌کاررفته در بازنمایی پاندمی تأکید می‌کند و نشان می‌دهد که تحلیل زبان و مفهوم‌سازی استعاری می‌تواند به درک بهتر تجربه جمعی بحران‌های سلامت کمک کند. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده با تمرکز بر تجربه زیسته جوامع مختلف، به‌ویژه در بافت فرهنگی ایرانی، و نیز با رویکردهای بین‌فرهنگی و میان‌رشته‌ای، الگوهای مفهوم‌سازی بیماری را در زبان‌ها و گفتمان‌های گوناگون بررسی کنند تا نقش زبان در مدیریت، فهم و مواجهه انسانی‌تر با بحران‌های جهانی بیش‌ازپیش روشن شود.

[Downloaded from www.disaster.ndri.ac.ir on 2026-11-18]

[DOI: https://doi.org/10.22034/1.2.23]

References

Afraashi, A. (2016). Mabani-ye Ma‘nashenasi-ye Shenakhti [Foundations of Cognitive Semantics]. Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies. (in Persian)

Afraashi, A., & Joolaee, K. (2020). Synesthesia in Persian: A Cognitive and Corpus-Based Approach. (in Persian)

Abbasi, K. (n.d.). A comparison of metaphor in literary language and everyday language Journal of Linguistic Studies, Iran. (in Persian)

Aldama, F. (2015). *Cultural Narratives and Human Crises: A Cognitive Perspective.* New York: Routledge.

Agarwal, R. (2015). *Pandemic Literature and the Quest for Meaning in Catastrophe.* Journal of Humanities Research, 12(3), 45–61.

Camus, A. (1947). *La Peste (The Plague).* Paris: Gallimard. (Trans. H. Kazemiyazdi, Tehran: Niloufar, 2018).

Danahue, E. (2016). *The Pull of the Stars.* London: Picador. (Trans. P. Azizi, Tehran: Cheshmeh, 2020).

Das, V. (2011). *Meeting the Survivors of the Pandemic.* Journal of Comparative Literature Studies, 8(2), 78–101.

Evans, N. (2007). Standing up your mind: Remembering in Dalabon.

Eysenck, M. W., & Keane, M. T. (1995). Cognitive Psychology: A student’s handbook Hillsdale. *NJ: Earlbaum.*

Flusberg, S. J., Matlock, T., & Thibodeau, P. H. (2018). War metaphors in public discourse. *Metaphor and Symbol*, *33*(1), 1-18.

Foucault, M. (1976). *The Birth of the Clinic: An Archaeology of Medical Perception.* New York: Vintage Books.

Helman, C. (2007). *Culture, health, and illness*. CRC Press.

Kövecses, Z. (2010). *Metaphor: A practical introduction* (2nd ed.). Oxford University Press.

Lakoff, G. (1993). The contemporary theory of metaphor.

Lakoff, G., & Johnson, M. (1980). *Metaphors We Live By*. Chicago: University of Chicago Press.

London, J. (1912). *The Scarlet Plague.* New York: Macmillan. (Trans. F. Shayan, Tehran: Hermes, 2017).

Nora Roberts. (2017). *Year One.* New York: St. Martin’s Press. (Trans. G. Eslami, Tehran: Hermes, 2020).

Preminger, A. (Ed.). (1974). *The Princeton encyclopedia of poetry and poetics*. Princeton University Press.

Rinaomi, M. (2017). *Disease, Literature, and Human Mind: A Cognitive Study.* Journal of Cognitive Semiotics, 9(1), 33–57.

Rinawmi, V. L. (2022). Pandemic and Literature through the Ages: A Case Study. https://doi.org/10.5281/ZENODO.5918680

Sárdi, R. (2022). *We are the stories we tell: Pandemic narratives and COVID-19*. Working Papers in American

Sontag, S. (1997). *AIDS and its metaphors* (p. 107). Harmondsworth.

Turner, M. (1996). *The Literary Mind.* New York: Oxford University Press.

Von Eckardt, B. (1993). Mental representation. *The MIT encyclopedia of cognitive sciences*, 527-529.

Yang, Z. (2021). Military metaphors in contemporary Chinese disease coverage: a case study of the People's Daily, 1946–2019. *Chinese Journal of Communication*, *14*(3), 259-277.

Žižek, S. (2020). *Pandemic! COVID-19 Shakes the World.* London: OR Books. (Trans. N. Gorgin, Tehran: Markaz, 2021).

DOI: https://doi.org/10.22034/1.2.23

[Downloaded from www.disaster.ndri.ac.ir on 2026-11-18]

[DOI: https://doi.org/10.22034/1.2.23]